

غرب شناسی ج ۱

استعمار شناسی

WWW.KETAB.IR

سرشناسه: سعیدی، مهدی، ۱۳۵۵
عنوان و نام پدیدآور: مروری بر کارنامه سیاه تمدن غرب در
بیش از چهار قرن استثمار و غارت جهان / مولف مهدی سعیدی.
مشخصات نشر: قم: اشراق حکمت، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ۳-۰-۹۹۶۳۲-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: تمدن غرب

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۷۴۶/س CB۲۴۵

رده بندی دیویی: ۹۰۹/۰۹۸۲۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۷۳۴۲۰



مؤلف: مهدی سعیدی

نشر اشراق حکمت

چاپ: بوستان کتاب

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۳۰۰

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

شابک: ۳-۰-۹۹۶۳۲-۶۲۲-۹۷۸

شابک دوره: ۰-۱-۹۹۶۳۲-۶۲۲-۹۷۸

مرکز پخش: ۰۲۵-۳۷۷۴۶۷۷۰

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۳	غرب‌شناسی ۱؛ مقدمات نظری
۱۴	مقدمه
۱۷	بخش اول: چستی استعمار
۲۱	بخش دوم: اهمیت بحث استعمار
۲۷	فصل دوم ادوار استعمار
۲۸	مقدمه
۳۲	بخش اول: کشورگشایی در دوران باستان
۳۴	بخش دوم: استعمار کلاسیک (آغاز استعمارگری)
۳۷	الف. پسرهای پیدایش استعمار
۴۶	ب. اهداف استعمارگران
۵۸	ارنان کورتز، فاتح اسپانیایی
۶۱	ج. نقش یهود در پیدایش استعمار
۶۷	د. ویژگی‌های استعمار کلاسیک

پیشگفتار

تاریخ جدید غرب، عصر تاریکی است. از روزی که غربی‌ها پس از شکست مسلمانان در اندلس به کشتار و اخراج آنان دست زده، و کشورگشایی و استعمارگری را آغاز کردند، سیاه‌ترین دوران زندگی بشر شکل گرفت. پیشه غرب در این عصر، غارت و جنایت بر ضد سایر ملت‌هاست. در عین حال، غرب تمام تلاش خود را برای پاک‌سازی آثار جنایت‌ها و از بین بردن اسناد تاریخی به کار می‌برد. غرب با تردستی، هم می‌کشد و می‌برد و هم مغز سایر ملت‌ها را شست‌وشو می‌دهد و نمی‌گذارد حافظه تاریخی آن‌ها از حد معینی فراتر رود؛ تا جایی که ما ملت‌های مسلمان، شاید به طور اجمال بدانیم که غرب استعمارگر بوده و بر ضد بشریت مرتکب جنایت شده است؛ ولی اطلاعات ویژه‌ای در این باب نداریم.

کتاب‌ها و نشریه‌هایی که به طور تخصصی درباره تاریخ استعمار به مخاطبان خود مطالب مستند ارائه کنند، بسیار اندک هستند. کم‌کاری رسانه نیز در این خصوص مشهود است. طرح موضوعات صرفاً سرگرم‌کننده در رسانه، سببی مؤثر در تخدیر جامعه انقلابی است. رسانه در غرب، ابزار سرگرم‌سازی توده‌های متوسط و فقیر جامعه در راستای منافع سرمایه‌داران است؛ اما در جامعه‌ای که بیدار شده و می‌خواهد داد خود و سایر ستمدیدگان را از بیدادگران بستاند، نباید رسانه ماهیتی سرگرم‌کننده داشته باشد؛ چرا که این روند به اتلاف نیروها و هدر دادن سرمایه‌های انسانی و الهی می‌انجامد.

دانش ما شرقی‌ها از پنج قرن جنایات غربی‌ها بر ضد ملت‌های ستمدیده، ناچیز است؛ در حالی که شناخت غربی‌ها نسبت به ما، بسیار گسترده و دقیق است. طی چند قرن گذشته، غربی‌ها با تاراج آثار علمی شرقیان، کتاب‌خانه‌هایی غنی و مجهز درباره سایر ملت‌ها پدید آورنده‌اند. در کنار این روند به نگارش کتاب،

سیاحت‌نامه و ... دربارهٔ ملت‌های شرقی پرداخته‌اند. پس از مدتی دایرة‌المعارف‌های متعدّد دربارهٔ دین، فرهنگ و ... شرقی‌ها پدید آوردند. آثار علمی پرشمار غربی‌ها دربارهٔ ما و دیگر ملت‌ها، بسیار زیاد است. اگر بخواهیم آگاهی خود از غربی‌ها را با آنچه آن‌ها دربارهٔ ما می‌دانند مقایسه کنیم، دانسته‌های ما به سرگرمی بیشتر شبیه است تا دانش؛ علاوه‌براین در مسیری افتاده‌ایم که در مواردی خودمان را نیز از دریچهٔ پژوهش‌های آن‌ها می‌شناسیم!

همین آگاهی عمیق غرب از شرق، زیرساخت علمی غلبهٔ آنان بر شرق را فراهم آورده‌است. آنان از یک سو با تاراج آثار علمی و فرهنگی شرق، منابع دست اول و معتبر را در اختیار گرفته‌اند، و از سوی دیگر با تأسیس مراکز شرق‌شناسی در دانشگاه‌ها و تداوم مطالعات و پژوهش‌های روزآمد خود به اموری دست یافته‌اند که برتری تمدنی آن‌ها را تضمین می‌کند.

در حالی که چرخهٔ تمدن از بین‌النهرین آغاز شده و در هر دوره‌ای، ملّتی پرچم‌دار تمدن و پیشرفت بوده است. ظهور و افول تمدن‌ها نشان از میر طبیعی چرخش تمدن در دنیا بوده است؛ ولی طی پنج قرن گذشته رفتار غربی‌ها با تمدن‌های دیگر بسیار عجیب بوده است. آنان تمام توان تخریبی خود را برضد تمدن‌های دیگر به کار گرفته‌اند. همهٔ دنیا را ویران کردند تا تمدن خود را بیش از پیش آباد کنند. غارت‌گری منابع و ثروت‌های شرقی‌ها هنوز ادامه دارد و غرب از رهگذر این غارت به پیشرفتی چشم‌گیر رسیده است:

یکی از گردشگاه‌های شبانهٔ لندن، کنارهٔ تیمز است. هر گذرنده‌ای که در شبی از شب‌های خوش تابستانی از پل واترلو تا پل وست‌مینستر را بپیامد، دو سوی رودخانه هزاران چراغ می‌بیند که رود مهیب سیاه‌درون را در پرتو خود غرقه کرده‌اند و بدنهٔ کاخ شهرداری لندن و بنای زیبای فستیوال هال را چون عروسی آراسته‌اند. کران تا کران، گذرگاه‌ها و پل‌ها و بناها و درخت‌ها و چمن‌ها گویی در حریر فروزان نارنجی رنگی پیچیده شده. نور از بسی فراوان و پنهان است چنین می‌نماید که از چشمهٔ مرموز پایان ناپذیری به بیرون می‌تراود.

من هر بار که از جلو آن رشته‌های چراغ که چون گردنبدهایی از یاقوت زرد بودند، عبور می‌کردم، بی‌اختیار اندیشه‌ای در خاطرم می‌گذشت، اندیشه‌ای عجیب که شاید بر ضمیر بسیاری شرقیان گذشته باشد؛ با خود می‌گفتم: چه هزاران هزار چراغ کلبه‌ها در آسیا و آفریقا فرو مرده است تا این چراغ‌ها توانسته است روشن گردد. چه بسیار تیره روزی‌ها که زاینده این شب‌های درخشان است.^۱

مردم و نسل جوان ما، غربی‌ها را بیش‌تر به عنوان انسان‌های مدعی تمدن، آزادی و حقوق انسانی می‌شناسند. سیاست غربی‌ها در القای این مطالب، ماهرانه و جلدی است؛ به طوری که سیاست‌بازان غرب با برجسته کردن خطاهای دیگران از سویی همواره دیگر ملت‌ها را تحقیر کرده و آنان را در جایگاه متهم و عقب‌مانده از دنیای روز می‌نشانند. از دیگر سو، افکار عمومی ملت‌های خود را از چالش‌های درونی خویش منحرف کرده و آن‌ها را به ظلم‌های رایج در جامعه خود عادت می‌دهند.

ضروری است هم خود را از انفعال خارج کنیم و هم بازشناسی غرب را از دریچه واقعیت‌ها اولویت دهیم. باید تجربه و احساس پدید آمده بر اثر قرن‌ها ستم غربی‌ها را بر دانش، مبتنی کنیم تا بدانیم در برابر موجودی که صدها سال است از کشتار و غارت دست نمی‌کشد، چه باید کرده از این‌رو باید رشته‌های دانشگاهی و دانشکده‌های غرب‌شناسی تأسیس کرده و ادوار تاریخی غرب را به طور کامل، پدیدارشناسانه و به دور از شیفتگی‌های رایج بررسی کنیم. اگر نهادهای رسمی کشور به این کار مدد نرسانند، جا دارد نهادهای انقلابی بدین مهم همت گمارند.

در این میان وظیفه نخبگان جامعه ما این است که ماهیت حقیقی غرب را به مردم ایران و سایر ملت‌های ستم‌کشیده یادآوری کرده و نگذارند جامعه غرب چهره طمع‌کار و خونخوار خود را در پس ظاهر انسانی به دیگران تحمیل کند؛ چراکه غرب هنوز هم در پی غارت و کشتار ملت‌هاست. شرایط امروز جنوب غرب آسیا و کشتار میلیون‌ها نفر در عراق، سوریه و یمن و هم‌چنین

۱. محمدعلی اسلامی ندوشن، *ایران را از یاد نبریم به همراه به دنبال سایه‌های،* یزدان، تهران، چاپ

نسل‌کشی آشکار در میانمار در برابر چشم اروپا و آمریکا و بلکه حمایت و پشتیبانی آن‌ها از این فجایع، نمونه روشنی از تداوم سیاست‌های استعماری است. در این میان، غارت منابع نفتی جهان اسلام و پایین نگه‌داشتن عمدی قیمت نفت، تاراج معادن و میراث فرهنگی و ... همچنان جریان دارد.

افزون بر این، باید مطالبه حقوق ملت‌ها را نیز به طور جدی مطرح کرد؛ یعنی ملت‌های مختلف باید بابت میزان جنایتی که علیه آنان صورت گرفته و حجم غارت منابع آن‌ها که طی قرن‌های گذشته رخ داده است، میزانی از غرامت را به طور تخمینی محاسبه کرده و از استعمارگران مطالبه کنند؛ برای مثال، کشورهایی که ده‌ها و صدها سال استعمار انگلیس را به جان خریدند می‌توانند پس از محاسبه غرامت خود - که به یقین صدها برابر تولید ناخالص ملی انگلیس است - آن را از انگلیس مطالبه کنند. یکی از راه‌های پرداخت غرامت می‌تواند چنین باشد که انگلیس به بخش‌های مختلف تجزیه شود و به فراخور میزان غرامت، یک شهر یا ایالت را برای سالیان مشخصی به کشور شاکی واگذار کنند تا در گذر زمان، از رهگذر درآمدهای حاصله از آن شهر یا ایالت، استرداد غرامت صورت پذیرد؛ البته چنین امری دور از دسترس نخواهد بود، اگر ستمدیدگان همت گمارند.

و اما درباره کتاب حاضر باید بگوییم، سال‌ها پیش هفته‌نامه صبح صادق به دستم رسید. لابه‌لای صفحه‌های پایانی این نشریه یک ستون با نام «سیاحت غرب» وجود داشت که کتاب معروفی به همین نام را به یاد مخاطب می‌آورد؛ ولی محتوای این ستون از غرب واقعی، یعنی آن‌جا که خودشید معنویت و انسانیت غروب کرده است، خبر می‌داد. در این ستون، اقدامات استعمارگرانی چون: انگلیس، فرانسه، بلژیک و ... در کشتار سایر ملت‌ها و به غارت بردن منابع آن‌ها به تفصیل آمده بود. بیان نسل‌کشی‌های مکرر، از میان برداشتن جمعیت‌های بومی جهت هموار کردن زمینه برای تصرف سرزمین‌ها در این ستون مختصر، دهشتناک بود. برای کسی که سالیانی به مطالعه فلسفه و اندیشه غربی‌ها پرداخته بود، خواندن شرح کشتار و آتش زدن ده‌ها هزار نفر در چند ساعت به دست اروپایی‌های استعمارگر حیرت‌آور بود؛ چرا که اینان همان کسانی هستند که طی چند قرن گذشته خود را نماد آزادی و تمدن می‌نمایانند.

افزون براین، ما فقط شبی ناپیدا از دوران استعمار در ذهن خود داریم و به واقع نمی‌دانیم در آن دوران بر ملت‌های ستم کشیده چه‌ها رفته است؛ از این‌رو، مطالعه دقیق رخدادهای جزئی تا حدودی عمق فاجعه را روشن می‌کرد.

مطالعه این ستون، مرا در زمره خوانندگان این هفته‌نامه درآورد؛ به طوری که هر هفته منتظر آمدن شماره جدید آن بودم. با توجه به شیفتگی برخی روشنفکران نسبت به غرب، با خود می‌اندیشیدم که چرا جامعه ما اطلاع چندانی از این همه جنایت ندارد؟! چون همین بی‌خبری جامعه ما از ماهیت غربی‌هایی که با ظاهری آراسته و الفاظی پیراسته به سراغ ملت ایران می‌آیند، بستر باورپذیری ادعاهای پوچ آن‌ها را فراهم می‌سازد؛ به ویژه اگر برخی روشنفکران غرب‌گرا به جای خدمت به ملت خود، وظیفه خویش را در توجیه و تبیین اقدامات غربی‌ها ببینند!

از این‌رو، بسیار مشتاق بودم محتوای ستون سیاحت غرب، روزی به دست جوانان، تصمیم‌سازان و عموم مردم ایران برسد. این امر در اوایل دهه هشتاد رخ داد؛ دورانی که در نیروی زمینی سپاه پاسداران، افسرو وظیفه بودم.

چند سال بعد، نویسنده ستون سیاحت غرب را یافته، از او خواستم محتوای آن ستون را گردآوری کرده و به انتشار برساند. این اقدام زمانی به مرحله عمل رسید که پس از تأسیس انتشارات اشراق حکمت، دوباره با نویسنده ارتباط گرفته و پس از چند نوبت گفت‌وگو، سرانجام قرار بر تدوین کتاب حاضر، استوار گردید. کتاب حاضر، تلاشی ارزشمند جهت یادآوری ماهیت غرب و برشمردن مظلومیت ملت‌هایی است که امروز در دنیا با نام عقب‌مانده یا در حال توسعه شناخته می‌شوند؛ ملت‌هایی که ثروت‌های خود را از دست داده و نیروهای انسانی آن‌ها طی قرون‌ها به بردگی کشیده شده و تمدن‌های بی‌نظیرشان آشکارا یا دزدیده شده یا نابود شده است. برای کمک کردن به تأثیر بخشی چنین اثری باید نه تنها به ترویج محتوای آن کمک کرد، بلکه امید است روزی جایگاه مناسب خود را در نظام آموزشی کشور پیدا کند.

در پایان با تشکر از همراهی پژوهشی محمد مرادی، اکبر گنجی، مهدی دنگچی و هاجر اماتی، امید آن‌که بخشی از علاقه نویسنندگان و پژوهشگران به کشف جنایات غرب علیه بشریت اختصاص یابد.

منصور مهدوی

قم المقدسه ۲۳ آبان ۱۳۹۵